

## رده‌شناسی نظاممند بندهای مادی در زبان فارسی

اسماعیل صفائی اصل\*

دکتری زبان‌شناسی، دانش آموخته دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۷/۱۰ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۵

### چکیده

رده‌شناسی نقشگرای نظاممند یا به اختصار رده‌شناسی نظاممند به بررسی تقاوتها و شباهت‌های موجود در نظامهای زبان‌ها می‌پردازد. هدف بنیادی رده‌شناسی نظاممند دست‌یابی به تعیین‌های تجربی قابل اعمال به تمام زبان‌های جهان است. در راستای این هدف، متیسن (2004) به مجموعه‌ای از تعیین‌های رده‌شناختی دست یافته و در ارتباط با آن تعیین‌ها، مدعی شده است که آن‌ها را می‌توان در توصیف هر زبان و نیز در تلاش در جهت گسترش تبیین‌های رده‌شناختی در چارچوب دستور نقشگرای نظاممند به کار بست.

هدف از انجام این پژوهش، توصیف رفتارهای رده‌شناختی بندهای مادی در زبان فارسی با توجه به تعیین‌های رده‌شناختی متیسن (2004) درخصوص آن بنده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، در بندهای مادی زبان فارسی، ۱) در کنار دو مشارک ذاتی کنشگر و مقصد، مشارک‌های دیگری، یعنی دریافت‌کننده/ گیرنده، وادرنده، دامنه، و شاخص، نیز در نمود فرایند دخیل هستند، ۲) گستره مشارک ذاتی کنشگر بسیار وسیع است، ۳) هر یک از مشارک‌های غیرذاتی یادشده در بالا به طریقی به بند مادی اضافه می‌شوند. برای مثال، مشارک وادرنده از طریق فرایند سببی‌سازی به یک بند مادی افزوده می‌شود، ۴) حالت‌نمایی مشارک‌ها به نظر نسبتاً صریح است، و ۵) انتقال مالکیت به صورتی متفاوت از سلب مالکیت بازنمایی می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: دستور نقشگرای نظاممند، رده‌شناسی زبان، رده‌شناسی نقشگرای نظاممند، بندهای مادی، زبان فارسی.

\* نویسنده مسئول مقاله:

## ۱. مقدمه

در رده‌شناسی تعمیم‌گرا/ جزء‌گرا<sup>۱</sup> - که رویکرد غالب در رده‌شناسی از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد بوده - دست‌یابی به همگانی‌های زبانی<sup>۲</sup>، یعنی تعمیم‌هایی<sup>۳</sup> قانون‌گونه، مورد نظر است. گفتنی است که در این رویکرد، دست‌یابی به تعمیم‌های زبانی بر مبنای مقایسه بینازبانی ساختارهای خاص از جمله سبی‌سازی، مجھول‌سازی، همپایه‌سازی، و مالکیت استوار است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۶، ۲۲). برای نمونه، می‌توان به همگانی‌های رده‌شناختی گرینبرگ<sup>۴</sup> (1966) و هاکینز<sup>۵</sup> (1983) که اساساً در خصوص «ترتیب واژه»<sup>۶</sup> هستند اشاره کرد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۳).

در چارچوب رده‌شناسی تعمیم‌گرا/ جزء‌گرا و از منظر «دستور نقش‌گرای نظام‌مند»<sup>۷</sup>، متیسن<sup>۸</sup> (2004: 537-673) با تکیه بر هدف بنیادی رده‌شناسی نظام‌مند (رک. پی‌نوشت ۷) و از رهگذر بررسی نظام‌های اندیشگانی<sup>۹</sup> (منظقی<sup>۱۰</sup> و تجربی<sup>۱۱</sup>، بینافردی<sup>۱۲</sup>، و متئی<sup>۱۳</sup> «دستور بند»<sup>۱۴</sup>) زبان‌های متعدد و متنوع<sup>۱۵</sup> به مجموعه‌ای از «تعمیم‌های رده‌شناختی»<sup>۱۶</sup> دست یافته است. گفتنی است که تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن هم بر واگرایی‌ها<sup>۱۷</sup> (تفاوت‌ها) و هم بر همگرایی‌های<sup>۱۸</sup> (شباهت‌ها) نظام‌های زبان‌ها دلالت دارند. گفتنی است که از آن‌جا که این تعمیم‌ها مبتنی بر توصیفات به‌دست آمده از زبان‌ها بوده، متیسن (2004: 537) از آن‌ها با عنوان «تعمیم‌های توصیفی»<sup>۱۹</sup> یاد کرده است. متیسن (*ibid*) در ارتباط با تعمیم‌های رده‌شناختی پیشنهادی اش مدعی شده است که آن‌ها را می‌توان در توصیف هر زبان و نیز در تلاش در جهت گسترش تبیین‌های رده‌شناختی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند به کار بست. البته وی بالا‌فصله تصریح کرده است که «ارائه یک نقشه تعمیم‌یافته هنوز ممکن نیست؛ اما باید در آن جهت حرکت کنیم».

در راستای ادعای یادشده متیسن در بالا، مقاله حاضر تلاش کرده است رفتارهای رده‌شناختی بند‌های مادی<sup>۲۰</sup> در زبان فارسی را با توجه به تعمیم‌های پیشنهادی متیسن درخصوص آن بندها شناسایی و معرفی کند. برای انجام این امر مهم، سؤال زیر مطرح می‌شود:

- در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004)، بند‌های مادی در دستور بند زبان فارسی چه رفتارهایی را از خود نشان می‌دهند؟  
به منظور پاسخ به این سؤال، تلاش شده است با استناد به نمونه‌هایی برگرفته از اسناد

مکتوب متعدد از جمله رمان و منابع دستور زبان فارسی و نیز نمونه‌هایی ساختگی، توصیف دقیق‌تری از بندۀ‌ای مادی در زبان فارسی به‌دست آید.

## ۲. بندۀ‌ای مادی

### ۱-۲. کلیات

نظام گذراي<sup>۱۰</sup> به عنوان نظام بنیادی فراغت تجربی<sup>۱۱</sup>، کوانتمی از تغییر را در هیئت ترکیب یک فرایند<sup>۱۲</sup> با مشارک<sup>۱۳</sup>(های) دخیل در آن فرایند و افزوده‌های حاشیه‌ای<sup>۱۴</sup> همراه آن فرایند بازنمایی می‌کند (Matthiessen, 2004: 580; 2015:1). گفتنی است که ترکیب «فرایند+مشارک (ها)» هسته تجربی<sup>۱۵</sup> بند را تشکیل می‌دهد و افزوده‌های حاشیه‌ای هم که خارج از هسته تجربی بند قرار دارند و خلاف مشارک‌ها، دخالت مستقیمی در فرایند ندارند، به نوعی بر هسته تجربی بند می‌افزایند (Halliday & Matthiessen, 2014: 221). نکته مهم دیگر آن است که سه عنصر فرایند، مشارک، و افزوده حاشیه‌ای به ترتیب مبنای سه زیرنظام «نوع فرایند»<sup>۱۶</sup>، «عاملیت»<sup>۱۷</sup> و «حاشیه‌افزودگی»<sup>۱۸</sup> را که درواقع، زیرنظام‌های نظام بنیادی گذرايی هستند، تشکیل می‌دهند. گفتنی است که این سه زیرنظام جنبه‌های مختلف کوانتم تغییر را بازنمایی می‌کند (Matthiessen, 2015: 2).

بالا بر دو زیرنظام نوع فرایند و عاملیت که ناظر بر هسته تجربی بند هستند، متمرکز است. از این رو، در ادامه کلیاتی درباره دو زیرنظام نوع فرایند و عاملیت ذکر می‌شود.

دستور گذراي یک زبان تجربه اندیشه تغییر را در تعداد محدودی از انواع فرایند دسته‌بندی می‌کند و هر یک از انواع فرایندها انگاره یا طرح‌واره خاص خود را برای بازنمایی حیطه‌ای از تجربه به مثابه صحنه‌ای<sup>۱۹</sup> خاص دارا هستند (Halliday & Matthiessen, 2014: 213). گفتنی است که هر «صحنه» از یک فرایند، تعدادی مشارک دخیل در آن فرایند، و تعدادی افزوده حاشیه‌ای همراه با آن فرایند تشکیل می‌یابد (ibid: 220). در ارتباط با انواع فرایند، متین (2004: 581) اظهار داشته است که تجربه انسان از «تغییر» در هیئت تمایز بین تجربه «ذی-شعوری»<sup>۲۰</sup> و تجربه «تغییر بیرونی» نمود می‌یابد. تجربه ذی‌شعوری در زبان‌ها در هیئت فرایندهای «حس‌کردن»<sup>۲۱</sup> تبلور می‌یابد؛ اما تجربه تغییرات بیرونی یا در هیئت فرایندهای «انجام دادن و انجام یافتن»<sup>۲۲</sup> (یا به اختصار، «انجام دادن») یا در هیئت فرایندهای «بودن»<sup>۲۳</sup> (و

«داشتن»<sup>۳۴</sup> به مثابه نوعی «بودن») تجلی می‌یابد. از این رو، سه نوع فرایند اصلی وجود دارد که بین زبان‌ها مشترک هستند: حس‌کردن، انجام دادن، و بودن. گفتنی است که این سه نوع فرایند به ترتیب در سه نوع بند ذهنی<sup>۳۵</sup>، مادی<sup>۳۶</sup>، و رابطه‌ای<sup>۳۷</sup> دستوری می‌شوند. نکته دیگر آنکه به گفته متیسن (*ibid*: 600)، انواع سه‌گانه فرایندهای اصلی، یعنی فرایندهای مادی، ذهنی و رابطه‌ای، نمونه‌های اعلی و همانند تمامی مقولات زبان دارای مرزهای نامشخصی هستند و بر روی یکدیگر سایه می‌اندازند. درواقع، در کنار فرایندهای اصلی سه‌گانه یادشده، فرایندهای دیگری وجود دارد که بین زبان‌ها متنوع هستند که عبارت‌اند از: رفتاری<sup>۳۸</sup>، بیانی<sup>۳۹</sup>، و وجودی<sup>۴۰</sup>.

آنچه در پاراگراف پیش ذکر شد کلیاتی درباره زیرنظام نوع فرایند بود. در چارچوب زیرنظام نوع فرایند، هر یک از انواع فرایندها انگاره خاص خود را برای بازنمایی شیوه دخالت مشارک(ها) در نمود فرایند دارا هستند. با وجود این، این امکان نیز وجود دارد که نظام گذرايی یک زبان و مشخصاً زیرنظام عاملیت انگاره‌ای عمومی از شیوه دخالت مشارک (ها) در نمود فرایند و به بیانی کلی تر تعامل فرایند - مشارک را که در بین تمام انواع فرایندها عمومیت دارد، صورت‌بندی کند. در خصوص تعامل دو عنصر فرایند و مشارک، دو انگاره را می‌توان از هم بازشناخت: انگاره گذرايی<sup>۴۱</sup> و انگاره کنایي<sup>۴۲</sup>. بر اساس انگاره گذرايی، یک مشارک بر نمود فرایند نظارت می‌کند. چنین بندی ناگزرا<sup>۴۳</sup> خوانده می‌شود. نمود فرایند ممکن است فراتر از مشارک ناظر<sup>۴۴</sup> بسط یابد و مشارک دیگری به نام متأثر<sup>۴۵</sup> را تحت تأثیر قرار دهد. چنین بندی هم گذرا<sup>۴۶</sup> نامیده می‌شود. بر این اساس، با توجه به انگاره گذرايی، دو نوع بند ناگزرا (ناظر+فرایند) و گذرا (ناظر+فرایند+متاثر) در تقابل نظام‌مند با یکدیگر قرار می‌گیرند و تمایز این دو نوع بند مبتنی بر متغیر «بسط»<sup>۴۷</sup> است. ذکر این نکته هم ضروری است که در چارچوب انگاره گذرايی، هر فرایند مشارک‌های منحصر به فرد خود را دارد. به بیانی دیگر، نقش مشارک‌ها از فرایندی به فرایند دیگر متفاوت است. با توجه به انگاره کنایي تعامل فرایند-مشارک هم، فرایند از طریق مشارکی به نام وسیله<sup>۴۸</sup> نمود می‌یابد. این مشارک در واقع، «وسیله» تحقیق یافتن فرایند است. تحقق فرایند از طریق مشارک وسیله ممکن است مشارک دیگری به نام عامل<sup>۴۹</sup> سبب شود. با توجه به انگاره کنایي، دو نوع بند میانی<sup>۵۰</sup> (وسیله+فرایند) و عاملی<sup>۵۱</sup> (عامل+وسیله+فرایند) در تقابل نظام‌مند با یکدیگر هستند و تمایز این دو نوع بند مبتنی بر متغیر «سبب»<sup>۵۲</sup> است. نکته مهم دیگر در خصوص انگاره کنایي آن است که در این انگاره خلاف

انگاره گذرايي، مشارکها در تمامي انواع فرایيندها نقش‌های ثابتی دارند و از اين رو، نقش مشارکها از فرایيندي به فرایيند دیگر متفاوت نيسـت. نکته پـایانـی در ارتباط با دو انگاره گذرايـی و کـنـایـی آـنـ استـ کـهـ اـینـ دـوـ انـگـارـهـ مـكـمـلـ يـكـيـگـرـ هـسـتـنـدـ وـ هـرـ بـندـ رـاـ مـیـ تـوانـ اـزـ دـوـ منـظـرـ گـذـراـيـیـ وـ کـنـایـیـ تـحلـیـلـ کـرـدـ (Matthiessen, 2004: 602-604, 607).

همان طور کـهـ پـیـشـ تـرـ نـیـزـ گـفـتـهـ شـدـ،ـ پـژـوهـشـ حـاضـرـ اـزـ مـیـانـ اـنـوـاعـ بـنـدـهـاـ درـ چـارـچـوبـ زـیرـنـظـامـ نوعـ فـرـایـنـدـ تـنـهـ بـنـدـهـاـيـ مـادـیـ رـاـ درـ کـانـونـ تـوـجهـ قـرارـ دـادـهـ استـ.ـ ذـکـرـ اـینـ نـکـتهـ هـمـ ضـرـورـیـ استـ کـهـ درـ اـینـ پـژـوهـشـ،ـ بـنـدـهـاـيـ مـادـیـ تـنـهـ اـزـ مـنـظـرـ انـگـارـهـ گـذـراـيـیـ درـ چـارـچـوبـ زـیرـنـظـامـ عـالـیـتـ برـرـسـیـ خـواـهـنـدـ شـدـ.ـ شـایـسـتـهـ اـسـتـ گـفـتـهـ شـودـ کـهـ اـعـمـالـ اـيـنـ مـحـدـودـیـتـ درـ گـسـتـرـهـ مـوـضـوعـ پـژـوهـشـ حـاضـرـ بـهـ مـنـظـرـ فـرـاهـمـ کـرـدـ اـمـکـانـ تـدـقـیـقـ بـیـشـترـ درـ اـنـجـامـ اـيـنـ پـژـوهـشـ صـورـتـ گـرفـتـهـ استـ.ـ بـدـینـ تـرـتـیـبـ،ـ درـ اـدـامـهـ بـهـ بـرـرـسـیـ رـدـهـشـناـختـیـ بـنـدـهـاـيـ مـادـیـ درـ زـبـانـ فـارـسـیـ مـیـپـرـداـزـیـمـ.

## ۲-۲. بـنـدـهـاـيـ مـادـیـ درـ زـبـانـ فـارـسـیـ

### ۱-۲-۲. پـیـشـینـةـ پـژـوهـشـ

در اـینـ بـخـشـ،ـ تـعـدـادـیـ اـزـ مـطـالـعـاتـ اـنـجـامـیـاـفـتـهـ درـ اـرـتـبـاطـ باـ بـنـدـهـاـيـ مـادـیـ درـ زـبـانـ فـارـسـیـ مـعـرـفـیـ مـیـشـودـ.ـ پـهـلوـانـ نـژـادـ (۱۳۸۳)ـ درـ رسـالـةـ دـکـتـرـیـ خـودـ بـهـ هـنـگـامـ تـوـصـیـفـ دـسـتـورـ تـجـربـیـ وـ مشـخـصـاـ دـسـتـهـبـنـدـیـ اـنـوـاعـ فـرـایـنـدـ درـ زـبـانـ فـارـسـیـ،ـ بـهـ تـوـصـیـفـ فـرـایـنـدـ مـادـیـ وـ مـشـارـکـهـاـيـ دـخـیـلـ درـ نـمـودـ آـنـ فـرـایـنـدـ اـزـ جـملـهـ کـشـگـرـ،ـ مـقـصـدـ،ـ وـ درـیـافتـ کـنـنـدـهـ،ـ یـاـ گـیرـنـدـهـ،ـ پـرـداـختـهـ استـ.ـ وـیـ هـمـچـنـینـ،ـ فـرـایـنـدـهـاـيـ مـادـیـ درـ زـبـانـ فـارـسـیـ رـاـ بـهـ دـوـ دـسـتـهـ،ـ یـعـنـیـ کـنـشـیـ،ـ وـ خـلاقـ،ـ تـقـسـیـمـبـنـدـیـ کـرـدـ استـ.

پـهـلوـانـ نـژـادـ وـ نـجـفـیـ (۱۳۸۷)ـ درـ حـوـزـهـ «ـزـبـانـ آـمـوزـیـ کـوـدـکـ»ـ اـزـ مـنـظـرـ دـسـتـورـ نقـشـگـرـایـ تـنظـامـمـنـدـ،ـ بـهـ بـرـرـسـیـ اـنـوـاعـ فـرـایـنـدـهـاـيـ بـهـ کـارـ رـفـتـهـ درـ کـتـابـ بـخـوانـیـمـ اـولـ تـاـ پـنـجمـ دـبـسـتـانـ پـرـداـختـهـ اـنـدـ.ـ هـدـفـ اـصـلـیـ اـیـنـ پـژـوهـشـ مـطـالـعـهـ چـگـونـگـیـ آـشـنـاـ کـرـدـ کـوـدـکـ باـ نـقـشـ تـجـربـیـ زـبـانـ درـ پـیـکـرـهـ زـیـانـیـ یـادـشـدهـ بـودـهـ اـسـتـ.ـ نـتـایـجـ اـیـنـ مـطـالـعـهـ درـ خـصـوصـ فـرـایـنـدـهـاـيـ مـادـیـ دـهـدـ کـهـ درـ هـرـ پـنـجـ پـایـهـ یـادـشـدهـ،ـ اـزـ مـیـانـ اـنـوـاعـ فـرـایـنـدـهـاـيـ بـهـ کـارـ رـفـتـهـ فـرـایـنـدـ «ـمـادـیـ»ـ بـیـشـتـرـینـ درـصـدـ فـرـاوـانـیـ نـسـبـیـ،ـ یـعـنـیـ ۴ـ درـصـدـ،ـ رـاـ بـهـ خـودـ اـخـتـصـاصـ دـادـهـ اـسـتـ.ـ بـاـ اـینـ حـالـ،ـ مـیـزـانـ درـصـدـ فـرـاوـانـیـ نـسـبـیـ اـیـنـ فـرـایـنـدـ خـلـافـ اـنـتـظـارـ درـ سـالـ اـولـ دـبـسـتـانـ،ـ اـزـ سـالـهـاـيـ دـوـمـ وـ سـومـ کـمـتـرـ اـسـتـ.ـ اـینـ نـتـیـجـهـ

نشان می‌دهد که توزیع فرایند مادی با رشد مرحله‌ای کودک متناسب نیست. پهلوان‌نژاد و نجفی (۱۳۸۷: ۷۲-۷۱) در پایان چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که هنگام تدوین کتاب‌های **بخوانیم** مقطع بستان، نقش تجربی زبان به‌عنوان مرحله نهایی تکامل فرایند زبان آموزی کودک، مورد توجه خاص مؤلفان نبوده است و فرایند[های] زبانی به‌عنوان ابزاری برای زبانی‌کردن تجربه‌های آدمی، به شیوه‌ای هدفمند به کودک معروفی نشده‌اند.

بهمن (2009) در توصیف دستور گذرايی زبان فارسي از منظر رده‌شناسی نقش‌گرای نظام مند، انواع فرایند و مشارک‌های منحصر به‌فرد آن‌ها را شناسایي و معروفی کرده است. وی با تحلیل انواع مختلف بند و نظام گذرايی در زبان فارسي، فرایند «مادی» را در کنار سایر فرایندها در زبان فارسي شناسایي و آن را به همراه مشارک‌های خاصش تشريح کرده است. آقالگ‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در تجزیه و تحلیل چهار داستان کوتاه از صادق هدایت و جلال آل احمد بر اساس نظام گذرايی چنین یافته‌اند که آل احمد در مقایسه با هدایت در داستان‌های خود از فرایندهای مادی بیشتری استفاده کرده است که این امر نشان از دید واقع-گرایانه آل احمد به جهان دارد. در واقع، آل احمد برای انگاره‌سازی جهان بیرون در داستان-هایش با استفاده از نظام گذرايی، استفاده بیشتری از فرایندهای مادی کرده است.

منشی‌زاده و الهیان (۱۳۹۴) در حوزه سبک‌شناسی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام مند، انواع و بسامد رخداد فرایندهای به‌کار رفته در هفت باب آغازی گلستان سعدی را بررسی کرده‌اند. این مطالعه با هدف شناساندن دنیای ذهن نویسنده گلستان و درنهایت، سبک او انجام یافته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با توجه به موضوع کتاب گلستان، از میان فرایندهای استفاده شده در هفت باب آغازی گلستان، فرایند مادی به همراه فرایند وجودی کمترین بسامد رخداد را به خود اختصاص داده است.

مطالعات بالا و سایر مطالعات بررسی شده توسط نگارنده این سطور نشان می‌دهند که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه رفتارهای رده‌شناختی بند‌های مادی در زبان فارسی بر مبنای تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004) صورت نگرفته است. از این‌رو، همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، پژوهش حاضر می‌کوشد بر اساس تعمیم‌های یادشده به مطالعه رده‌شناختی بند‌های مادی در زبان فارسی بپردازد.

## ۲-۲-۲. ردهشناسی بندهای مادی در زبان فارسی

در این بخش، تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که بندهای مادی زبان فارسی در چارچوب رویکرد ردهشناسی نقشگرای نظاممند و مشخصاً تعیینهای پیشنهادی متیسن (2004) درخصوص آن بندها چه رفتارهای ردهشناختی‌ای از خود نشان می‌دهند. متیسن (2004: 590-587) حیطه‌های زیر را به عنوان مؤلفه‌های ردهشناختی بندهای مادی شناسایی و معرفی کرده است:

(الف) تعداد مشارک‌های دخیل در تجلی فرایند مادی: در یک بند مادی، ممکن است به تعداد سه مشارک، یعنی کنشگر، مقصد، و دریافت‌کننده/ یادگیرنده، در تبلور فرایند دخالت داشته باشد؛ اما باید توجه داشت که تعداد مشارک‌های مادی به لحاظ ردهشناسی متغیر است. در تجلی فرایند مادی در زبان فارسی، همانند زبان انگلیسی (Halliday & Matthiessen, 2014: 311) علاوه بر مشارک‌های یادشده در بالا، مشارک‌های دیگری نیز می‌توانند شرکت داشته باشند. این مشارک‌ها عبارت‌اند از: وادارنده<sup>۷</sup>، دامنه<sup>۸</sup>، و شاخص<sup>۹</sup>. نمونه‌های زیر شواهدی بر این مدعای استند:

(۱) خانم فاطمه یک قند دیگر به او داد (دانشور، ۱۳۴۹: ۲۱).  
 کنشگر مقصد دریافت‌کننده فرایند

(۲) او همیشه غذاهای خوشمزه به بچه‌اش می‌خوراند.<sup>۱۰</sup>  
 وادارنده مقصد کنشگر فرایند

(۳) زن و مرد برای خانم مسیح‌آدم در مجلس روضه خانه مهری قرآن به سر گذاشت‌اند  
 فرایند کنشگر گیرنده (همان: ۱۴۷).

(۴) [او] تمام طول خیابان را می‌دویده (گلشیری، ۱۳۶۸: ۷۳).

(۵) مردم این شهر شاعر متولد می‌شوند (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۸).  
کنشگر شاخص فرایند

(۶) فخری باید ظرف‌ها را پاک بشوید (گلشیری، ۱۳۶۸: ۲۸).  
کنشگر مقصد شاخص فرایند

(ب) شیوه افزودن مشارک مادی: از میان تمامی انواع مشارک‌های دخیل در تحقق فرایند مادی، تنها مشارک کنشگر است که الزاماً در هر بند مادی حضور دارد؛ زیرا آن مشارک ذاتی بند‌های مادی است.<sup>۷۲</sup> گفتنی است که مشارک مقصد نیز یک مشارک ذاتی در بند‌های مادی گزاراست (Halliday & Matthiessen, 2014: 236). همان‌طور که در مؤلفه الف آمده است، علاوه بر دو مشارک ذاتی کنشگر و مقصد، مشارک‌های دیگری نیز ممکن است در تجلی فرایند مادی شرکت داشته باشند. نکته گفتنی آن است که زبان‌ها برای افزودن مشارک‌های غیرذاتی به یک بند مادی، از راهکارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. برای نمونه، در زبان آکان<sup>۷۳</sup> (متعلق به خانواده زبان‌های نیجر-کنگو<sup>۷۴</sup>)، مشارک دریافت‌کننده از طریق ساختاری به نام «ساختار زنجیره فعلی»<sup>۷۵</sup> به یک بند مادی افزوده می‌شود که در آن صورت، فرایند در هیئت یک زنجیره فعلی منقطع نمود می‌یابد (Matthiessen, 2004: 588). در زیر، شیوه اضافه شدن مشارک‌های دریافت‌کننده، گیرنده، و ادارنده، دامنه، و شاخص به یک بند مادی در زبان فارسی را می‌بینیم.

هر دو مشارک دریافت‌کننده و گیرنده می‌توانند به همراه یک پیش‌اضافه در جایگاه پیش یا پس از مشارک مقصد ظاهر شوند.<sup>۷۶</sup> همان‌طور که دو نمونه ۱ و ۳ در بالا و نیز نمونه‌های زیر نشان می‌دهند، مشارک دریافت‌کننده به همراه پیش‌اضافه «به» و مشارک گیرنده به همراه پیش‌اضافه «برای» نمود می‌یابد.

(۷) بچه گوشت را به گربه داد.  
کنشگر مقصد دریافت‌کننده فرایند

(۸) لطفاً [تو]<sup>۷۷</sup> به این گیاهان آب تمیز بده!  
کنشگر دریافت‌کننده مقصد فرایند

(۹) من دادم [آن‌ها] یک صندلی چرخدار برایش درست کردند (گلشیری، ۱۳۶۸: ۱۷).  
 کنشگر      مقصد      گیرنده      فرایند

(۱۰) [او] روی پشت خانه‌اش برای سی صد کفتر لانه درست کرده (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۶۵).  
 کنشگر      مقصد      گیرنده      فرایند

بند ۲ در بالا و نیز بندهای ۱۱ تا ۱۳ در ادامه نشان می‌دهند که در زبان فارسی، مشارک «وادرنده» از رهگذر فرایند «سبی‌سازی»<sup>۷۸</sup> است که در تبلور فرایند مادی دخالت می‌کند. شایستهٔ یادآوری است که بندهای یادشده در بالا نمونه‌هایی از «ساختهای وادرنده‌گی» هستند که در آن‌ها، مدخل‌های سبب و مسبب به ترتیب دارای نقش وادرنده و کنشگر هستند.

(۱۱) نسرین علی را دواند/دوانید (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۵۵).  
 وادرنده      کنشگر      فرایند

(۱۲) نسرین لباس را به علی پوشاند/پوشانید (همانجا).  
 وادرنده      مقصد      کنشگر      فرایند

(۱۳) نسرین تمام گل‌های توی باعجه را خشکاند/خشکانید (همان: ۵۸).  
 وادرنده      کنشگر      فرایند

مشارک «دامنه» به عنوان یکی دیگر از مشارک‌های مادی در ساختی مجرأ از ساخت «کنشگر+مقصد»، یعنی ساخت «کنشگر+دامنه»، بازنمایی می‌یابد. در چنین حالتی، مشارک دامنه جایگزین مشارک مقصد می‌شود. در هر یک از دو نمونه ۴ در بالا و ۱۴ در زیر، مشارک دامنه در جایگاه مشارک مقصد قرار گرفته است و به همراه مشارک کنشگر ساخت مجذایی را تشکیل داده‌اند.

(۱۴) نعمت قانون می‌زد (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۰).  
 کنشگر      دامنه      فرایند

گفتنی است که مدخل «قانون» در بند ۱۴ همانند مدخل «قرآن» در بند ۳ در بالا با از دست دادن پس اضافه خود، یعنی «(ر)»، به فرایند «می‌زد» منضم شده است و به همراه «می‌زد» یک فرایند مرکب ناگذرا تشکیل داده‌اند (برای آگاهی بیشتر درخصوص «انضمام<sup>۱۹</sup> مفعول صریح» در زبان فارسی رک: دبیر مقدم، ۱۳۸۴: ۱۷۴-۱۷۸). گفتنی است که در صورت وجود پس اضافه «(ر)» پس از دو مدخل «قانون» و «قرآن» در دو نمونه ۱۴ و ۳، هر دو نمونه یادشده به بند‌های مادی گذرا تبدیل می‌شوند و در آن صورت، مدخل‌های یادشده هم درواقع، نقش مقصد را به‌عهده می‌گیرند.

آخرین مشارک دخیل در تجلی فرایند مادی مشارک شاخص است. این مشارک در زبان فارسی در هیئت یک گروه اسمی (نمونه ۱۵) یا یک صفت (نمونه ۱۶) به بند مادی ساده اضافه می‌شود و تغییری در هیئت آن بند ایجاد نمی‌کند.

(۱۵) مردم این شهر شاعر متولد می‌شوند (تکرار نمونه ۵)  
کنشگر شاخص فرایند

(۱۶) فخری باید ظرف‌ها را پاک بشوید (تکرار نمونه ۶)  
کنشگر مقصد شاخص فرایند

(ج) ماهیت مشارک کنشگر: کنشگر نوعاً یک موجود زنده یا دست‌کم یک مدخل نیرومند (مشتمل بر نیروهای طبیعی) است. با این حال، گستره مشارک کنشگر در برخی از زبان‌ها وسیع و در تعداد دیگری از زبان‌ها محدود است. برای مثال، در زبان انگلیسی، طیف گسترده‌ای از مدخل‌ها - از جمله مدخل‌های نیرومند، مدخل‌های عینی<sup>۲۰</sup>، و حتی انتزاعات<sup>۲۱</sup>، و مدخل‌های استعاری<sup>۲۲</sup> - می‌توانند به عنوان مشارک کنشگر نقش‌آفرینی کنند. در مقابل، بسیاری از زبان‌ها از جمله آلمانی، ژاپنی، و پیچان‌چاچارا، به نظرمی‌رسد با یک کنشگر محدودتری عمل می‌کنند. برای مثال، در زبان ژاپنی، نیروهای طبیعی مثل زلزله نمی‌توانند به عنوان مشارک کنشگر عمل کنند.

در زبان فارسی، همانند زبان انگلیسی و خلاف زبان‌هایی مثل آلمانی و ژاپنی، انواع مدخل‌ها

- از موجودات زنده گرفته تا مدخل‌های انتزاعی - می‌توانند به عنوان مشارک کنشگر عمل کنند. برای نمونه، در دو بند ۱۷ و ۱۸ در زیر، مشارک‌های «تابستان» و «آب و تاب جوانیت» که به ترتیب مدخل‌هایی [ذی‌شعور، +ذی‌اراده] و [ذی‌شعور، -ذی‌اراده] هستند، کنشگرند. بر این اساس، گستره مشارک کنشگر در زبان فارسی بسیار وسیع است.

(۱۷) همیشه تابستان همین طور علجه می‌کرد (دانشور، ۱۳۴۹: ۵۶).  
 فرایند کنشگر

(۱۸) نمی‌خواهم آب و تاب جوانیت بخشک (همان: ۶۹).  
 کنشگر فرایند

(د) حالت‌نمایی<sup>۷۳</sup>. یکی دیگر از تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن حالت‌نمایی مشارک‌های مادی است و آن تعمیم اینکه در «زبان‌های وابسته‌نما»<sup>۷۴</sup>، حالت‌نمایی مشارک‌های مادی به نظر می‌رسد نسبتاً صریح است. به عنوان نمونه، در بندۀای [مادی] عامل‌دار<sup>۷۵</sup> (با معلوم) در زبان آلمانی، کنشگر با یک گروه اسمی در حالت فاعلی<sup>۷۶</sup>، مقصد با یک گروه اسمی در حالت مفعولی<sup>۷۷</sup>، و دریافت کننده با یک گروه اسمی در حالت متممی<sup>۷۸</sup> نمود می‌یابند. از آنجا که در زبان فارسی، حروف اضافه می‌توانند با وقوع در مجاورت مشارک‌های یک بند - که عناصری وابسته هستند - بیانگر رابطه بین آن مشارک‌ها و فرایند آن بند باشند، زبان فارسی را می‌توان زبانی وابسته‌نما نیز دانست. در نمونه‌های زیر، حروف اضافه نقش مشارک‌های دخیل در بازنمایی فرایند را به‌وضوح نشان می‌دهند.

(۱۹) بچه گوشت را به گربه داد (تکرار نمونه ۷)  
 کنشگر مقصد دریافت کننده فرایند

(۲۰) فخری باید ظرف‌ها را پاک بشوید (تکرار نمونه ۶).  
 کنشگر مقصد شاخص فرایند

(۲۱) خانم فاطمه یک قند دیگر به او داد (تکرار نمونه ۱).  
کنشگر مقصد دریافت‌کننده فرایند

(۲۲) من دادم [آن‌ها] یک صندلی چرخدار برایش درست کردند (تکرار نمونه ۹).  
کنشگر مقصد گیرنده فرایند

مثال‌های بالا نشان می‌دهند که مشارک مقصد چنانچه مدخلی معرفه باشد به همراه پس-اضافه «را» ظاهر می‌شود. مشارک دریافت‌کننده به همراه پیش‌اضافه «به» و قوع می‌یابد و مشارک گیرنده هم پس از حرف اضافه «برای» می‌آید. در تمام نمونه‌های بالا می‌بینیم که مشارک کنشگر بدون نشانه است؛ اما در نمونه‌های زیر که به ترتیب تکرار بندهای ۱۱ تا ۱۳ هستند، مشارک کنشگر به همراه حرف اضافه ظاهر شده است.

(۲۳) نسرین علی را دواند/دوازد.  
وادرانده کنشگر فرایند

(۲۴) نسرین لباس را به علی پوشاند/پوشانید.  
وادرانده کنشگر مقصد فرایند

(۲۵) نسرین تمام گل‌های توی باعچه را خشکاند/خشکانید.  
وادرانده کنشگر فرایند

بندهای بالا که جملگی بندهای وادراندگی هستند نشان می‌دهند که مشارک کنشگر در بندهای وادراندگی قادر مشارک مقصد به همراه پس‌اضافه «را» ظاهر می‌شود؛ اما در صورت وجود مشارک مقصد در بند به همراه پیش‌اضافه «به» و قوع می‌یابد. به این ترتیب، می‌توان مدعی شد که در زبان فارسی نیز همانند زبان آلمانی، حالت‌نمایی مشارک‌های مادی به نظر نسبتاً صریح است. به بیانی روشن‌تر، در زبان فارسی، مشارک کنشگر در بندهای مادی غیروادراندگی دارای حالت فاعلی (بدون نشانه)، در بندهای وادراندگی

فاقد مشارک مقصد دارای حالت مفعولی (با نشانه «را») و در بندهای واگذارنگی دارای مشارک مقصد برخوردار از حالت متممی (با نشانه «به») است. مشارک مقصد چنانچه مدخلی معرفه پاشد به همراه پس اضافه «را» حالت مفعولی دارد. هر دو مشارک دریافت‌کننده و گیرنده هم به ترتیب به همراه دو پیش‌اضافه «به» و «برای» برخوردار از حالت متممی هستند.

(و) شیوه بازنمایی انتقال و سلب مالکیت. در حالی که بسیاری از زبان‌ها - و شاید تمامی آن‌ها - دارای یک فرایند مادی مجزایی برای بازنمایی «دادن/واگذار کردن» به مثابه نوعی «انتقال مالکیت»<sup>۷۹</sup> هستند، آن‌ها به لحاظ چگونگی بازنمایی «سلب مالکیت»<sup>۸۰</sup> رفتارهای متفاوتی دارند. در ارتباط با شیوه بازنمایی «سلب مالکیت»، دستکم دو الگو وجود دارد (Matthiessen, 2004: 590):

(۱) سلب مالکیت به روشنی مشابه با دادن/واگذار کردن بازنمایی می‌یابد که در این حالت، هر دو نوعی انتقال مالکیت قلمداد می‌شوند.

(۲) سلب مالکیت به شکل «جا به جایی در فضا»<sup>۸۱</sup>، همانند «take» «گرفتن» در انگلیسی، بازنمایی می‌یابد.

دو نمونه ۲۶ و ۲۷ که به ترتیب تکرار نمونه‌های ۱ و ۷ هستند نشان می‌دهند که انتقال مالکیت در زبان فارسی بدین شکل صورت می‌گیرد که کسی با میل خود مالکیت چیزی را به فرد دیگری واگذار می‌کند.

(۲۶) خانم فاطمه یک قند دیگر به او داد.

(۲۷) بچه گوشت را به گربه داد.

شواهدی از قبیل ۲۸ و ۲۹ هم نشان می‌دهند که سلب مالکیت در زبان فارسی بدین شکل صورت می‌گیرد که فردی چیزی را از مالکیت صاحب اصلی آن خارج می‌کند و خود مالک آن می‌شود.

(۲۸) .... که از یک دست از دولت کوپن قند و شکر و قماش می‌گیرد و ... (دانشور، ۱۳۴۹).<sup>۲۲</sup>

(۲۹) طبق‌کش اولی گفت: «اگر این کار را نکنیم، نان‌ها را از مان می‌قایپند. ...» (همان: ۳۲).

بر اساس شواهدی از جمله نمونه‌های ۲۶ تا ۲۹ در بالا و با توجه به مؤلفه رده‌شناسخنی «شیوه بازنمایی انتقال و سلب مالکیت» می‌توان مدعی شد که زبان فارسی همانند زبان انگلیسی «انتقال مالکیت» را به صورتی متفاوت از «سلب مالکیت» بازنمایی می‌کند.

### ۳. نتیجه

در بخش اول این مقاله، کلیاتی درباره رده‌شناسی تعییمگرای جزءگرا و پژوهش متیسن (2004) در آن چارچوب و مشخصاً ازمنتظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند ذکر شد. در بخش دوم، ابتدا نظام گذرايی به عنوان نظام بنیادی فرآنشق تجربی و مشخصاً دو زیرنظام نوع فرایند و عاملیت ذیل نظام گذرايی تشریح شد. در ادامه، از میان انواع شش‌گانه بندهای زبان فارسی در چارچوب زیرنظام نوع فرایند، بندهای مادی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، ابتدا تعدادی از مطالعات انجام یافته درباره بندهای مادی در زبان فارسی معرفی و نشان داده شد که در هیچ یک از این مطالعات و سایر مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه، بندهای مادی از منظر رده‌شناسی و مشخصاً تعییم‌های پیشنهادی متیسن (2004) مطالعه نشده‌اند. به دنبال معرفی مطالعات یادشده در بالا، تلاش شد به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که بندهای مادی زبان فارسی با توجه به تعییم‌های پیشنهادی متیسن (*ibid*) درخصوص آن بندها چه رفتارهای رده‌شناسختی‌ای از خود نشان می‌دهند. برای این منظور، به دنبال طرح هر یک از تعییم‌های رده‌شناسختی بندهای مادی، با استناد به نمونه‌هایی برگرفته از اسناد مكتوب متعدد، وضعیت زبان فارسی درخصوص هر یک از آن تعییم‌ها سنجدیده و توصیف شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۱) در بندهای مادی زبان فارسی همانند بندهای مادی زبان انگلیسی، در کنار دو مشارک ذاتی کنشگر و مقصد، مشارک‌های دیگری، یعنی دریافت کننده/ گیرنده، ودارنده، دامنه، و شاخص، نیز در نمود فرایند دخیل هستند، ۲) در زبان فارسی همانند زبان انگلیسی و خلاف زبان‌هایی مثل آلمانی و ژاپنی، گستره مشارک ذاتی بسیار وسیع است، ۳) در زبان فارسی هر یک از مشارک‌های غیرذاتی یادشده در بالا به طریقی به بند مادی اضافه می‌شوند. برای مثال، مشارک ودارنده از طریق فرایند سببی‌سازی به یک بند مادی افزوده می‌شود، ۴) در زبان فارسی همانند زبان آلمانی، حالت‌نمایی مشارک‌های مادی به نظر نسبتاً صریح است، و ۵) در زبان فارسی همانند زبان انگلیسی، انتقال مالکیت به صورتی متفاوت از سلب مالکیت بازنمایی

می‌یابد. این نتایج نشان می‌دهند که تعمیم‌های پیشنهادی متیسن (*ibid*) درخصوص بندهای مادی رامی‌توان در توصیف بندهای یادشده در زبان فارسی به کار گرفت.

#### ۴. پی‌نوشت‌ها

1. generalizing/ partial typology
2. language /linguistic universals
3. generalizations
4. Greenberg
5. Hawkins
6. word order
7. Systemic Functional Grammar

دستور نقشگرای نظاممند در کنار مسائل زبانی بسیار متنوعی ازجمله رشد زبان در کودک، زبان‌شناسی آموزشی (educational linguistics)، زبان‌شناسی ریاضی (computational linguistics) و زبان‌شناسی بالینی (clinical linguistics) (به شاخه مطالعاتی رده‌شناسی زبان (*language typology*) نیز توجه دارد (*ibid*: 2, 5). Caffarel et al., 2004: 5). مطالعه رده‌شناسی زبان از منظر زبان‌شناسی نقشگرای نظاممند که رده‌شناسی نقشگرای نظاممند (systemic functional typology) یا به اختصار رده‌شناسی نظاممند (systemic typology) نامیده می‌شود از همان آغاز شکل‌گیری نظریه یادشده مطرح بوده است و ریشه در زبان‌شناسی فرثی (Firthian linguistics) دارد و با علاقه مکتب پراگ (Prague school) به ماهیت‌شناسی (characterology) زبان‌ها در ارتباط است. شایان ذکر است که در رده‌شناسی نقشگرای نظاممند که بر مبنای رده‌شناسی تعمیم‌گرای/ جزء‌گرا استوار است. زبان‌شناسان بدینوال دست‌یابی به تعمیم‌های تجربی‌ای (empirical generalizations) هستند که در اصل بتوان آن‌ها را به تمام زبان‌های جهان اعمال کرد. گفتنی است که تعمیم‌های تجربی تعمیم‌هایی هستند که مبتنی بر نمونه‌های زیادی از توصیفات زبانی هستند (Teruya & Matthiessen, 2013: 16). ذکر این نکته نیز ضروری است که رده‌شناسی نظاممند، خلاف رویکردهای پیشین رده‌شناسی تعمیم‌گرای/ جزء‌گرا، نظامها و نه ساخت زبان‌ها را بررسی می‌کند.

8. Matthiessen
9. ideational
10. logical
11. interpersonal
12. textual
13. clause grammar

۱۴. زبان‌هایی ازجمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی، دانمارکی، عربی، ژاپنی، تاگالوگ (Tagalog)

چینی، ویتنامی، تلوگو (Telugu)، و پیچان‌چاچارا (Pitjantjatjara).

15. typological generalizations
16. divergences
17. convergences
18. descriptive generalizations
19. material
20. TRANSITIVITY
21. experiential metafunction
22. process
23. participant
24. circumstantial adjuncts
25. experiential centre
26. PROCESS TYPE
27. AGENCY
28. CIRCUMSTANTIATION
29. figure
30. consciousness
31. sensing
32. doing-&-happening
33. being
34. having
35. mental clauses
36. relational clauses
37. behavioral
38. verbal
39. existential
40. transitivity
41. ergativity
42. intransitive
43. Controller
44. Impacted
45. transitive
46. extension
47. Medium
48. Agent
49. middle
50. effective
51. causation
52. Actor
53. Goal

- 54. Recipient
- 55. Client
- 56. transformative
- 57. creative
- 58. Initiator
- 59. Scope
- 60. Attribute

۶۱. در نمونه‌هایی نظیر بند ۲ که در چارچوب دستور نقشگرای نظاممند «ساختهای وادارنگی» (initiating structures) نامیده می‌شوند (Halliday & Matthiessen, 2014: 352)، مدخل‌های سبب و مسبّب به ترتیب دارای نقش وادارنده و کنشگر هستند.

۶۲. البته باید توجه داشت که در زبان فارسی، مشارک کنشگر ممکن است به اختیار حذف شود (رک. نمونه‌های الف و ب) و یا در هیئت یک افزوده حاشیه‌ای نمود یابد (رک. نمونه ج).

(الف) یک سد نمناک بدون روزنه به سنگینی سرب جلو من و او کشیده شد (هدایت، ۱۳۸۳: ۱۰).

(ب) قفس محکمی برای حیوانات وحشی ساخته می‌شود.

(ج) گویا حرکات، افکار، آرزوها و عادات مردمان پیشین که به توسط این ملت‌ها به نسل‌های بعد کنشگر

انتقال داده شده [است]. یکی از واجبات زندگی بوده است (همان: ۴۹).

همچنین، به این دلیل که زبان فارسی زبانی ضمیرانداز است، اگر مشارک کنشگر ضمیر فاعلی غیرمؤکد باشد، به صورت پرسامد و بی‌نشان حذف می‌شود؛ زیرا از طریق شناسه فعل قابل شناسایی است. نمونه زیر و نیز بندهای ۹، ۱۰ شواهدی بر این مدعای هستند:

(د) [آن‌ها] چند تا خانه‌گلی در جاهایی که آب نداشت ساختند (دانشور، ۱۳۴۹: ۴۷).  
کنشگر مذوف

- 63. Akan
- 64. Niger-Congo
- 65. serial-verb construction

۶۶. برای آگاهی از ترتیب و قوع مشارک‌های مقصد و دریافت‌کننده/گیرنده در بندهای دوتممی زبان فارسی رک: راسخ‌مهند، ۱۳۸۲. نکته‌ای که ذکر آن ضروری است آن است که همان‌طور که نمونه ۳ نشان می‌دهد، مشارک گیرنده خلاف مشارک دریافت‌کننده ممکن است در بندهای ناگذرا هم وقوع یابد.

۶۷. رخداد مدخل «تو» در نقش کنشگر در بندهای امری زبان فارسی نشان دار است.

- 68. causativization
- 69. incorporation
- 70. concrete
- 71. abstractions
- 72. metaphorical

منظور از مدخل‌های استعاری در دستور نقش‌گرای نظام‌مند مدخل‌های هستند که وضعیت دستوری آن‌ها تغییر یافته است. برای مثال، مشارک «preparation» در بند «preparation started» گونه‌استعاری فرایند «prepare» است.

- 73. case marking
- 74. dependent-marking languages

در این دسته از زبان‌ها، نقش مشارک‌های یک بند در بازنمایی فرایند آن بند از طریق عناصر حالت‌نمای نظری حروف اضافه و وندهای تصریف حالت که به مشارک‌ها می‌پیوندند، نشان داده می‌شود (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۹).

- 75. operative
- 76. nominative
- 77. accusative
- 78. dative
- 79. transfer of possession
- 80. dispossession
- 81. movement in space

## ۵. منابع

- آقاگلزاده، فردوس و همکاران (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی* (بهار ادب). ش. ۱. صص ۲۴۳-۲۵۴.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲). *توصیف و تحلیل ساختمان بند در زبان فارسی* بر پایه نظریه دستور نظام‌مند هلیدی. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و آزاده نجفی (۱۳۸۷). «اهمیت نقش ارتباطی زبان در جهت تکامل فرایند زبان‌آموزی در کودکان دبستانی». *نوآوری‌های آموزشی*. ش. ۷. صص ۴۷-۷۴.
- دانشور، سیمین (۱۳۴۹). *سووشون*. تهران: خوارزمی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)*. تهران:

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۳). «جایگاه مفعول مستقیم در فارسی». *نامه فرهنگستان*. ش ۲۴. صص ۵۶-۶۶.
- رضایی، والی و فاطمه بهرامی (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۶۸). *شنازده احتجاب*. تهران: نیلوفر.
- منشی‌زاده، مجتبی و لیلا الهیان (۱۳۹۴). «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان؛ متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند». *جستارهای زبانی*. ش ۶. صص ۲۵۹-۲۷۹.
- هدایت، صادق (۱۳۸۳). *بوف کور*. اصفهان: صادق هدایت.

#### References:

- Aghagolzadeh, F., A. K. Z., Kambuzia & H. Razavian, (2011), “Stylistics of story based on verb: a functional approach”. *Quarterly Journal of Stylistics of Persian Poem and Prose (Bahar e Adab)*. No. 1. Pp. 243-254. [In Persian].
- Bahman, Z. (2009). “Transitivity system and process types in Persian”. *Linguistics and the Human Sciences*. No. 5. Pp. 3-36.
- Daneshvar, S. (1970). *Suvashun*. Tehran: Kharazmi. [In Persian].
- Dabir-Moghaddam, M. (2005). *Studies in Persian Linguistics* (Selected Articles). Tehran: Iran University Press. [In Persian].
- Dabir-Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages*. Vol. 1. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Golshiri, H. (1989). *Prince Ehtejab*. Tehran: Nilufar. [In Persian].
- Halliday, M.A.K. & C.M.I.M Matthiessen, (2014), *Halliday's Introduction to Functional Grammar*. 4<sup>th</sup> edition. London and New York: Routledge.

- Hedayat, S. (2004). *The Blind Owl*. Isfahan: Sadegh Hedayat. [In Persian].
- Matthiessen, C. M.I.M. (2004). "Descriptive Motifs and Generalizations". *Language Typology: A Functional Perspective*. eds. A. Caffarel, J.R. Martin and C.M.I.M. Matthiessen. Amsterdam: John Benjamins. Pp. 537-673.
- Matthiessen, C.M.I.M. (2015). "Transitivity in Different Registers: The System of PROCESS TYPE". Manuscript.
- Monshizadeh, M. & L. Elahian, (2016), "Stylistic study of the verbs in Gulistan: An approach to Halliday's systemic functional grammar". *Language Related Research*. No. 6. Pp. 259-279. [In Persian].
- Pahlavan Nezhad, M. (2004). *Describing and Analyzing Clause Structure in Persian Language on the Basis of Systemic Functional Grammar*. PH.D Dissertation. Faculty of Literature and Humanities. Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian].
- Pahlavan Nezhad, M. & A. Najafi, (2008), "The importance of the communicative function of language in child language development". *Quarterly Journal of Educational Innovation*. No. 4. Pp. 47-74. [In Persian].
- Rasekh-Mahand, M. (2004). "Direct object position in Persian". *Name-Ye Farhangestan*. No. 24. Pp. 56-66. [In Persian].
- Rezaei, V. & F. Bahrami, (2015), *Fundamentals of Linguistic Typology*. Tehran: Publication & Printing Center of Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Teruya, K. & C.M.I.M. Matthiessen, (2013), "Halliday in Relation to Language Comparison and Typology". Manuscript.